حضرت

**حاجی ميرزا محمّد تقی افنان**

و از جمله نفوس زکيّه و حقيقت نورانيّه و جلوه رحمانيّه حضرت حاجی ميرزا محمّد تقی افنان وکيل الدّوله است \* اين فرع جليل از افنان سدره مبارکه است و شرف اعراق با حسن اخلاق جمع نموده بود نسبتش نسبت حقيقی بود و از جمله نفوسی بود که بمجرّد قرائت رسالهء ايقان منجذب بنفحات اللّه شد و منشرح بترتيل آيات اللّه \* چنان بهيجان آمد که از ايران لبّيک گويان در نهايت روح و ريحان بعراق شتافت آتش اشتياق چنان بر افروخت که کوه و بيابان طی کرد و تا ورود عراق آرام نيافت در دار السّلام بساحت اقدس مثول يافت و باوج قبول رسيد ولی بروحانيّتی و ولهی و انجذابی و انقطاعی که وصف نداشت \* وجه مبارکش چنان نورانی و صبيح بود که احبّا نام او را در عراق افنان مليح گذاشتند فی الحقيقه نفس مبارکی بود و شخصی محترم \*

از بدايت حيات تا نفس اخير در خدمت تقصير ننمود فاتحة الحيات انجذاب بنفحات اللّه و خاتمة المطاف اعظم خدمت بامر اللّه \* خوش رفتار بود و خوش گفتار و خوش کردار \* دقيقه ئی در عبوديّت فتور نداشت و بنهايت فرح و سرور بمهامّ امور ميپرداخت اخلاق و اطواری داشت که حرکات و سکنات و رفتار و معاملات تبليغ امر اللّه بود و سبب تنبّه ناس \* و چون در بغداد بشرف لقا فائز شد بعد از رجوع بايران بلسان فصيح نيز مباشرت بتبليغ کرد \* تبليغ چنين بايد بلسان فصيح و قلم سريع و حسن اخلاق و حلاوت گفتار خوشی رفتار و کردار حتّی اعداء و خصماء شهادت بر علويّت و روحانيّت او ميدادند که اين شخص از جهت رفتار و گفتار و تقوی و امانت و ديانت بی‌نظير است و در جميع شئون فريد و وحيد ولی حيف که بهائيست \* يعنی مثل ما بی‌باک و بی‌مبالات و مرتکب سيّئات و منهمک در شهوات و مطيع نفس و هوی نيست \* سبحان اللّه ملاحظه نمودند که بمجرّد وصول نفحات جنّت ابهی بمشام آن مطلع هدی منقلب شد و منقطع گشت و مشکوة شعاع شمس حقيقت شد \*

باری، متنبّه نشدند ايّاميکه در يزد بود بظاهر مشغول تجارت ولی بحقيقت سبب انتشار نور هدايت مقصدی جز اعلاء کلمة اللّه نداشت و آرزوئی جز نشر نفحات اللّه نمينمود و فکری جز تقرّب بارگاه کبرياء نميکرد و ذکری جز ترتيل آيات اللّه نداشت \* مظهر رضای جمال مبارک بود و مطلع عطای اسم اعظم بکرّات و مرّات از فم مطهّر نهايت رضايت در حقّ او استماع گرديد لهذا يقين کلّ بود که مصدر امر عظيمی خواهد شد \* تا آنکه بعد از صعود نهايت ثبوت و رسوخ در ميثاق ظاهر نمود و بيش از پيش بخدمت پرداخت با وجود موانع بسيار و مشاغل بی‌حدّ و شمار و تشتّت افکار راحت و تجارت و املاک و اراضی و عقار را ترک نمود و بعشق آباد شتافت و ببنای مشرق الاذکار پرداخت \* و اين خدمتی عظيم بود زيرا اوّل شخصی است که بنيان مشرق الاذکار کرد و در بنای بيت توحيد عالم انسانی بانی اوّل گشت و بمعاونت احبّای عشق آباد موفّق بآن شد که بر ديگران سبقت جست \* و مدّت مديدی در عشق آباد آرام نداشت شب و روز تشويق و تحريص ميکرد تا احبّای عشق آباد نيز همّت نمودند و بيش از قوّت و استطاعت بانفاق پرداختند تا بنيان رحمن بلند شد و صيت آن بشرق و غرب رسيد \* جميع اموال خويش را در بنياد اين بنيان صرف نمود مگر اقلّ قليلی لهذا انفاق چنين بايد و شرط وفا چنين است \*

بعد بارض مقدّس شتافت و در جوار مطاف ملأ ابهی در پناه مقام اعلی در نهايت تضرّع و ابتهال و غايت تنزيه و تقديس ايّامی بسر برد \* هميشه بذکر حقّ مشغول بود و بقلب و لسان مناجات ميکرد روحانيّت عظيمی داشت و نورانيّت عجيبی \* از جملهء نفوسی است که قبل از کوس الست طبل بلی زد در ايّام عراق در سنين بين سبعين و ثمانين مشتعل بنار محبّت نيّر آفاق شد و مشاهده اشراق از افق ابهی نمود و انّنی انا حيّ فی افق الابهی ملاحظه کرد \*

بشاشت غريبی داشت هر وقت محزون ميشدم با ايشان ملاقات مينمودم فورًا فرح و سرور رخ ميداد \* الحمد للّه عاقبت در نهايت نورانيّت در جوار مقام اعلی بملکوت ابهی شتافت و مصيبت ايشان بعبدالبهاء بسيار اثر کرد \* مرقد منوّرش در حيفا در جوار حظيرة القدس نزديک بمقام خضر است بايد در نهايت اتقان بنيان گردد \* نوّر اللّه مضجعه بانوار ساطعة من ملکوت الابهی و طيّب اللّه جدثه المطهّر بصيّب مدرار من الرّفيق الاعلی و عليه البهاء الابهی \*